

## نقش بیمه در حل و فصل دعاوی کیفری

- عبدالله خدابخشی (دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران)
- نیره عابدین زاده شهری (دادیار دادرسی عمومی و انقلاب مشهد)

### چکیده

بیمه علاوه بر نقشی که در قواعد مسئولیت مدنی داشته و کیفیت دعاوی آن را دگرگون نموده است، در حقوق کیفری نیز بدون تأثیر نیست؛ گذشته از نقش اساسی آن در مباحث دیات، می‌توان آثار مفید آن را در دیگر دعاوی کیفری نیز مشاهده کرد. بیمه می‌تواند از وقوع اختلاف جلوگیری کند و طرفین دعوی را در وضعیت متعادل قرار دهد، مانع استمرار اختلاف شود و در جرم‌زدایی عملی نیز موفق باشد. این رویکردها و آثار می‌توانند به حقوق کیفری کمک نمایند و سبب وضع قواعد قابل پذیرش شوند. این نوشتار در صدد بررسی آثار مذکور است.

واژگان کلیدی: بیمه، دعاوی کیفری، حقوق ایران، حقوق فرانسه.

### درآمد

روابط اجتماعی وقتی رنگ و بوی حقوقی به خود می‌گیرند، پیچیدگی بیشتری می‌یابند. منطق واقعی و عینی آنها تبدیل به منطق اعتباری شده و قواعد حقوقی جای

قواعد عینی را می‌گیرد. بسیاری از تعارضات، تراحمات و اشکالات ناشی از تحلیل مسائل به دلیل عدم توجه به تفاوت منطق و فلسفه حاکم بر قواعد حقوقی است (قربان‌پور، ۱۳۸۴: ۶۲-۷۴). دخالت هر نهاد حقوقی نیز بر پیچیدگی روابط سابق می‌افزاید و در چنین وضع پیچیده‌ای که تارهای قواعد حقوقی به هم تنیده شده، احراز مسائل از یک سو و ارائه راه حل مفید و شایسته برای آنها، از سوی دیگر، بسیار دشوار می‌شود. بدون جهت نیست که نام چنین موضوعاتی را «پرونده‌های دشوار» گذاشته‌اند (تیبیت، ۱۳۸۴: ۹۲-۱۲۲؛ mcleod, 2003: 120-136).

در چنین وضعی گذشته از دشواری خاص در تحلیل رویه قضایی، عملکرد قانون‌گذار نیز بدون دشواری نخواهد بود و تعیین راه حل مناسب با هر مسئله، که در درجه نخست به عهده او گذاشته شده است، نیازمند بررسی همه‌جانبه روابط حقوقی و اثر آنها بر واقعیات اجتماعی است. دخالت بیمه و حقوق بیمه با عوارض ذاتی و فرعی خود نیز یکی از این دشواریهاست که نقش بسیاری در روابط حقوقی داشته و به‌ویژه دو حوزه بسیار گسترده حقوق، یعنی مسئولیت مدنی و حقوق کیفری را تحت تأثیر قرار داده است. علی‌رغم اینکه مسئولیت مدنی وابسته به حقوق مدنی است و تغایر ذاتی با حقوق کیفری دارد، ولی از این منظر یعنی تأثیر و نقش بیمه، می‌توان شاهرهای مشترک را میان آنها پیدا کرد. این مسیر مشترک را می‌توان در «جبران خسارت و اعاده وضع»<sup>۲</sup> خلاصه کرد که علت اساسی دعاوی مسئولیت مدنی و کیفری است. اهمیت و نقش بیمه در حقوق مسئولیت مدنی بر کسی پوشیده نیست (خدابخشی، ۱۳۸۱)، اما بحث از تأثیر بیمه در حل و فصل دعاوی کیفری، پیشبرد سیاستهای کیفری و جبران خسارت و اعاده وضع بزه‌دیدگان نیز حایز اهمیت بسیار است.

حقوق کیفری و دعاوی آن از چند جهت تحت تأثیر بیمه، به‌ویژه بیمه‌های مسئولیت<sup>۳</sup> قرار دارند. در بسیاری موارد بیمه مانع از تشکیل و تحقق دعاوی کیفری می‌شود و قواعد حقوق کیفری را کنار می‌زند (رویکرد کنشی بیمه). در مواردی

1. hard cases.  
2. rparation et restitution.  
3. Liability insurance = assurance de responsabilité.

این نهاد سبب قلع مایه اصلی نزاع شده و در حل مسائل حقوق کیفری تسریع می‌نماید (رویکرد واکنشی سخت). علاوه بر این، دعاوی چه در مراجع رسمی مطرح شوند یا نشوند، دخالت بیمه از استمرار اختلاف و در نتیجه، امکان طرح دعاوی بالقوه جلوگیری می‌کند (رویکرد واکنشی نرم)، بنابراین وجوه مذکور را به ترتیب ذیل در دو گفتار بررسی می‌کنیم.

## ۱. تأثیر بیمه در پیشگیری از طرح دعاوی کیفری (رویکرد کنشی بیمه)

همان‌طور که در مسائل پیشگیری از وقوع جرم، بین تأثیر کنشی (پیشینی) و واکنشی (پسینی) پیشگیری تفاوت است (عباجی، ۱۳۸۳: ۵۶-۶۵؛ رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۶۸)، همین دوگانگی را می‌توان در مورد تأثیر بیمه نیز مشاهده نمود. هرگاه دخالت بیمه، بدون قواعد حقوق کیفری و یا با دخالت فرعی این قواعد، سبب اعاده وضع، رفع موانع حقوقی و حل و فصل مسائل شود و قسمت عمده دخالت خود را در خارج از مراجع قضایی ساماندهی کند، در واقع دخالت کنشی داشته است. در این رویکرد، حقوق بیمه با استفاده از فنون و اصول خود، راهکاری می‌یابد که در بسیاری از موارد، طرفین اختلاف، دچار احساس بیگانگی و دوگانگی و تعارض منافع نشده و هر دو در تحقق عملی که به ظاهر مجرمانه است اتفاق نظر دارند یا چنان وانمود می‌کنند که گویی هیچ‌یک احساس بزه‌دیدگی ندارند. این رویکرد، بهترین نقش را در اتحاد منافع اشخاص و جلوگیری از حضور آنها در مراجع قضایی ایفا می‌کند.

### ۱-۱. تأثیر بیمه در جرم‌زدایی عملی

هرگاه صلاحیت رسمی نظام کیفری تغییری نکند، ولی با تغییر رفتارهای حقوقی اشخاص، مراجعه به دادگاه کمتر یا حذف شود، جرم‌زدایی عملی<sup>۱</sup> به عمل آمده است (گزارش جرم‌زدایی اروپا، ۱۳۸۴: ۱۰). برای مثال در نظام «اقتضا داشتن تعقیب»، دادستان در صورت صلاحدید به امر تعقیب اقدام یا با متهم به سازش می‌رسد و مانع

1. Practical decriminalisation

از جریان دعوی کیفری می‌شود (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۰۵؛ استنفانی، لواسور، بولوک، ۱۳۷۷: ۷۲۱) میانجی‌گری کیفری نیز همین وظیفه را ایفا می‌کند (پرو، ۱۳۸۴: ۵۰۵-۵۱۱) و به‌ویژه پیش از طرح دعوی کیفری می‌تواند طرفین را به اعاده موقعیت و حل مسائل مساعدت نماید.

در این میان نقش بیمه نیز حائز اهمیت است و در جرم‌زدایی عملی و محدود کردن قلمرو عملی حقوق کیفری کمک بسیار می‌کند. اموال و مالکیت یا مسئولیت مدنی، امروزه تحت پوشش انواع بیمه‌هایی قرار دارد که در هنگام تحقق اعمال مجرمانه به یاری بزه‌دیده می‌آیند و با جبران خسارت وی، تشفی خاطر او را فراهم می‌نمایند یا از طرح دعوی کیفری منصرف و انگیزه‌های او را منتفی می‌کنند. برای مثال، در بیمه سرقت اتومبیل، با پیچیدگی‌های متعدد دعاوی کیفری آن و اطاله رسیدگی و نیاز فوری بزه‌دیده، بیمه‌گر با انعقاد صلح و پرداخت خسارت بیمه‌گذار مطابق ماده ۳۰ قانون بیمه، قائم مقام او می‌شود و بدیهی است کمتر شرکت بیمه‌ای است که الزامات اداری خود را رها نماید و در صدد تعقیب دعوی کیفری باشد که مشخص نیست نتیجه آن چگونه خواهد بود. «هر زمان بتوان برای خسارت واردشده غرامت پرداخت کرد، بیمه می‌تواند در آن ایفای نقش کند. این امر ممکن است بر ارزیابی آن جرم تأثیر بگذارد؛ زیرا این واقعیت که بیمه خسارت واردشده را به طور کامل تحت پوشش قرار می‌دهد، آسیب واردشده و در نتیجه شدت جرم را کاهش می‌دهد»

(گزارش جرم‌زدایی اروپا، ۲۳۲-۲۳۳). به همین دلیل است که از قراردادهای اولیه و الحاقی بیمه و پرداخت خسارت توسط شرکت بیمه‌گر و نفوذ چنین توافقاتی با زیان‌دیده از جرم، دفاع شده است و علی‌رغم ممنوع بودن پوشش مسئولیت کیفری و خسارت عمدی،<sup>۱</sup>

۱. ماده ۴ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ با بیان «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی...» و مفاد ماده ۵ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷ با بیان «در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه... شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده می‌تواند برای استرداد وجوه به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید» و بند ۵ ماده ۴ این قانون با بیان «موارد ذیل از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است: ۱... ۲... ۳... ۴... ۵... خسارات ناشی از محکومیت جزایی و پرداخت جرایم» مجموعاً دلالت بر بطلان بیمه خسارت عمدی و خسارت ناشی از عمل مجرمانه دارند.

این توافقات صحیح می‌باشند،<sup>۱</sup> زیرا آنها در صدد کمک به مجرم نیستند بلکه وضعیت ناشی از جرم را به سود بزه‌دیده تغییر می‌دهند و اثری در حق مجرم ندارند، ولی در هر صورت به دلیل گردش مالی شرکت‌های بیمه، حفظ شهرت آنها و مشکلات اداری، کمتر موردی را می‌توان یافت که شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت در صدد طرح دعوی کیفری در دادگستری باشد.

سرقت یا تخریب وسایل جزئی که اثری جز تراکم پرونده در دادگستری ندارند نیز به دلیل دخالت بیمه، به سمت و سوی شرکت‌های بیمه هدایت و از دادگستری خارج می‌شوند. برای مثال، سرقت از سوپرمارکتها، وسایل اتومبیل و نظایر آن، معمولاً متهم معینی ندارد و تنها می‌تواند حجم عظیمی از پرونده‌ها را وارد دادگستری نماید. شرکت‌های بیمه در این وضعیت دخالت می‌نمایند و با حداقل مدارک اثباتی یا مشاهده عینی وضعیت تخریب مال و سرقت، خسارت را جبران می‌کنند و عملاً دعاوی کیفری اقامه نمی‌شود. این رویکرد در چند زمینه مورد موافقت بیمه مرکزی ایران و شرکت‌های دیگر نیز قرار گرفته است و خسارات ناشی از سرقت‌های وسایل اتومبیل (دستگاه پخش، پنل و...) از محل بیمه‌نامه‌های مالکین اتومبیل جبران می‌شود.

### ۱-۱-۱. وضع ویژه تصادفات رانندگی - حقوق فرانسه و ایران

بی‌گمان ملموس‌ترین اثر ویژه بیمه در جبران خسارت زیان‌دیده را می‌توان در

۱. به موجب رأی اصراری شماره ۷۹/۳/۱۷-۱۰ قرارداد صلح منعقدشده بین مال‌باخته‌ای که اتومبیل او سرقت شده بود با شرکت بیمه مبنی بر پرداخت خسارت و قائم‌مقامی حقوق زیان‌دیده، معتبر شناخته شده است هر چند مبلغ مال موضوع سرقت بیشتر از خسارت پرداختی شرکت بیمه باشد. در این رأی آمده است «به موجب ماده ۱۹ قانون بیمه که مقرر داشته (مسئولیت بیمه‌گر عبارت است از تفاوت قیمت مال بیمه‌شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقی‌مانده بلافاصله بعد از حادثه) خسارت حاصله بر این اساس نسبت به اتومبیل مسروقه به کیفیتی که در سند صلح آمده محاسبه و مورد توافق طرفین قرار گرفته و چون سازمان بیمه بر طبق ماده ۱ قانون مذکور فقط متعهد به جبران خسارت می‌باشد و خسارت هم نمی‌تواند از قیمت معینه در بیمه‌نامه تجاوز نماید بنابراین و با عنایت به مبلغ بیمه‌شده و نظر به اینکه سند صلح تنظیمی متضمن جبران خسارت متصوره و واقعه مصالح بوده و دلیلی هم بر کره و اجبار مصالح ابراز نگردیده، حکم تجدیدنظر خواسته که بر خلاف قانون و مقررات موضوعه اصدار یافته، مخدوش تشخیص و ضمن نقض آن...» (مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۷۹، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

تصادفات رانندگی مشاهده کرد. همان طور که تصادفات رانندگی مهمترین فعل زیانبار دنیای معاصر است (کاتوزیان، جنیدی، غمامی، ۱۳۸۰: ۵۹) و عده کشته شدگان آن از مجموع جنگهای جهانی بیشتر است (Tunc, 1971: 10)، سهم جبران خسارت ناشی از بیمه نیز بسیار و به درستی ادعا شده است که اتومبیل بدون بیمه قادر به حرکت نیست و باید تمام هزینه‌های خود را از این طریق جبران کند.<sup>۱</sup> ما در صدد بیان تفصیلی تأثیر بیمه نیستیم و تنها به سهم آن در جرم‌زدایی عملی و ممانعت از طرح دعاوی کیفری گسترده اشاره می‌نماییم (خدابخشی، ۱۳۸۱: ۵۴-۶۰؛ ۱۳۸۳: ۱۵-۲۲).

### ۱-۲. حقوق فرانسه

تحولات این کشور و سهم بیمه در متوقف ماندن طرح دعاوی کیفری مشهود است. در آخرین تحول و پس از تصویب قانون ۱۹۸۵ معروف به قانون بدنتر،<sup>۲</sup> مؤسسات و شرکتهای بیمه مکلف شدند تا بلافاصله پس از تحقق خسارت، پیشنهاد جبران خسارت خود را به زیان‌دیدگان یا وراثت او ارائه داده و نیمی از کل خسارت را بلافاصله پرداخت نمایند. طرح دعاوی به جای دادگاه در شرکت بیمه متمرکز می‌شود و به طور معمول، خسارت بدون اختلافی جبران می‌شود. حتی در صورت استنکاف بیمه‌گر از ارائه پیشنهاد یا پرداخت خسارت، ضمانت اجرای سنگین پیش‌بینی شده است. بدین نحو که علاوه بر اصل خسارت، بیمه‌گر ممکن است مجبور به پرداخت دو برابر آن به عنوان جریمه شود و این ضمانت اجرا، عملاً باعث شده تا کمتر شرکت بیمه‌ای از پرداخت خسارت و تصفیه فوری با زیان‌دیده سر باز زند. نتیجه این رویکرد حل و فصل دعوی در شرکتهای بیمه‌ای است و نوبت به طرح دعاوی کیفری نمی‌رسد. این وضعیت را می‌توان در تصادفاتی که سبب خسارت مالی شده‌اند نیز مشاهده کرد.

این نکته را نیز متذکر می‌شویم که این رویکرد تقریباً جهانی شده و حوادث

1. As said by keeton and O'connell: "The automobile should pay its way through society" (Tunc, 1998: 462).

۲. Loi Badinter (1985) - علت نام‌گذاری این است که پس از مخالفت‌های بسیار شرکتهای بیمه با پیش‌نویس اولیه لایحه مذکور، به همت بدنتر وزیر دادگستری وقت فرانسه، این لایحه تصویب شد.

رانندگی به طور معمول در شرکتهای بیمه‌ای متمرکز و دعاوی آن به سرعت حل و فصل می‌شوند (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۴۹-۳۶۷؛ خدابخشی، ۱۳۸۱: ۵۷-۵۸).

### ۱-۳. حقوق ایران

در حقوق ایران با اجباری شدن بیمه اجباری مسئولیت ناشی از وسیله نقلیه و اقبال مناسب رانندگان و دارندگان به بیمه نمودن وسایل مذکور، کمک بسیاری به دعاوی کیفری شده است. اما بر خلاف حقوق فرانسه و دیگر کشورها که دعاوی خسارات بدنی و مالی، در شرکتهای بیمه متمرکز می‌شود، در ایران تنها تصادفات خسارتی است که با مساعی بیمه‌گران، حل و فصل می‌شود. بدیهی است که این تصادفات، به دلیل غیر عمدی بودن جرم تلقی نمی‌شود و دخالت بیمه از این نظر کمکی به حقوق کیفری و دعاوی آن نمی‌کند، لکن به دلیل مرسوم بودن مراجعه اشخاص به مراجع کیفری و طرح دعاوی در این مراجع، وجود بیمه از این نظر که مانع از ورود چنین پرونده‌هایی می‌شود بسیار حائز اهمیت است. در عین حال در مواردی که راننده‌ای بعد از تصادف اقدام به فرار می‌کند شرکتهای بیمه خسارت اتومبیل حاضر را جبران نمی‌کنند و شخص مجبور به مراجعه به دادگستری است. وجود بیمه‌های بدنه اتومبیل می‌تواند این مشکل را نیز حل و فصل نماید و با رجوع مستقیم به بیمه‌گر خسارت را دریافت کرد. تنها در جایی که دو وسیله نقلیه تصادف می‌کنند و یکی از آن دو بیمه نیست، شرکت بیمه از پرداخت خسارت، بعضاً امتناع می‌کند و شخص بدون بیمه را مجبور به تهیه پوشش بیمه‌ای می‌نماید و در مواردی که شخص از این امر سر باز می‌زند، طرف مقابل (زیان‌دیده) مجبور به رجوع به دادگاه خواهد بود. رعایت تکلیف قانونی از سوی بیمه‌گران در این فرض نیز می‌تواند این بخش از دعاوی را که به طور معمول در مراجع کیفری مطرح می‌شوند، منتفی نماید.

راجع به تصادف رانندگی که صدمات بدنی به وجود می‌آورد به دلیل ماهیت خاص دیه و احتساب آن در زمره کیفرها و تصریح مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی به جرم بودن این عمل، دعاوی جزایی را می‌توان در مراجع قضایی مشاهده نمود و به نظر می‌رسد که جرم‌زدایی عملی و نقش بیمه در این فرض، قابل توجه نباشد؛

زیرا رویه مسلم شرکتهای بیمه این است که باید حکم قطعی بر محکومیت و تعیین دیه وجود داشته باشد تا از محل بیمه‌نامه جبران شود و رجوع مستقیم به بیمه‌گر و حل و فصل خارج از دادگستری مرسوم نیست. این رویه باعث اشکالات متعددی می‌شود و در همین جا اشاره می‌گردد که هر چند اصول حاکم بر حقوق بیمه، اجازه می‌دهد در این موارد هم بیمه‌گران بدون دخالت دادگاه به پرداخت خسارت اقدام نمایند، ولی جهت تثبیت این رویه صحیح، هنگام تنظیم پیش‌نویس لایحه بیمه اجباری مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی که اکنون در کمیسیون اقتصادی مجلس روند نهایی خود را طی می‌کند، این مورد نیز در نظر گرفته شده است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۱-۴. طرحهای تکمیلی بیمه اجباری<sup>۲</sup>

اهمیت و نقش این طرحها و هدفی که دنبال می‌کنند خارج از حوصله این نوشتار است (Mark and Ken, 2007: 798)، ولی باید این نکته را متذکر شد که گسترش بیمه‌های مسئولیت، به تنهایی کافی برای جبران خسارت زیان‌دیده نیست و دعاوی کیفری را به تنهایی حل و فصل نمی‌کند. اگر مسئولیت مدنی و بسیاری دعاوی جزایی بدون بیمه، قادر به ایفای نقش خود نیستند، بی‌گمان بدون حضور طرحهای تکمیلی بیمه هم نمی‌توانند راه به جایی ببرند. برخی از مهمترین طرحهای

۱. پیش‌نویس اصلاحیه قانون بیمه اجباری از سوی بیمه مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، جهت اظهار نظر به قوه قضاییه ارسال گردید. با توجه به فعالیت تخصصی خود در مورد بیمه مسئولیت، ایرادات اساسی و نواقص پیش‌نویس را به معاون محترم حقوقی و توسعه قضایی، آقای دکتر جمشیدی اعلام نمودم. ایشان مسئله را با ریاست محترم قوه قضاییه مطرح نمود و تهیه پیش‌نویس جامع بیمه اجباری به عهده اینجانب قرار گرفت. پس از تهیه پیش‌نویس، طی چندین جلسه با حضور ریاست محترم قوه قضاییه، معاون محترم حقوقی و مدیر کل اداره تدوین لوایح، تک‌تک موارد را بررسی و نهایتاً به تصویب ریاست محترم قوه قضاییه رساندیم. در جلسات مسئولان عالی قضایی نیز مطرح و بعد از آن چندین جلسه با نمایندگان بیمه مرکزی ایران، وزیر محترم اقتصادی و دارایی و رئیس محترم کمیسیون اقتصادی مجلس در این خصوص بحث و تبادل نظر به عمل آمد. نمایندگان دولت (بیمه مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی) در ابتدا به شدت مخالف پیش‌نویس قوه قضاییه بودند که نهایتاً با دخالت قاطع رئیس محترم قوه قضاییه و همراهی رئیس محترم کمیسیون اقتصادی مجلس، قرار بر آن شد که موضوع در جلسات کمیسیون اقتصادی مجلس با حضور تمام نمایندگان ذی‌نفع بررسی شود.

2. Complementary schemes to compulsory insurance.

تکمیلی را که در نظامهای حقوقی مطرح شده‌اند می‌توان به صورت زیر برشمرد (خدابخشی، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۲: ۱۳۸۳: ۳۴-۳۵):

۱- صندوق جبران زیانهای ناشی از عمل مجرمانه<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۶۴ در انگلستان تدوین شده و بهترین طرح برای جبران خسارت توسط دولت است. تحولات آن در سال ۱۹۹۵ منجر به پیش‌بینی اصولی نظیر طبقه‌بندی جرایم و نحوه دخالت بزه‌دیده و پرداخت خسارت تا سقف ۲۵۰ هزار دلار (حداکثر تا ۵۰۰ هزار دلار) گردید. زیان‌دیدگان ناشی از عمل مجرمانه علیه این صندوق طرح دعوی می‌کنند تا وضعیت خود را اثبات نمایند (Mark Ken, op. cit; Rogers, 1976: 6).

۲- کنسرسیوم بیمه‌گران اتومبیل انگلستان<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۴۶ و برای پرداخت خسارت ناشی از اتومبیل‌های بیمه‌نشده تشکیل گردید و هر حکمی که از سوی دادگاهها علیه این صندوق صادر شود مورد اعتراض قرار نمی‌گیرد (Mark Ken, op. cit: 26).

۳- صندوق تضمین خسارت اتومبیل<sup>۳</sup> در سال ۱۹۵۱ در فرانسه تشکیل شد و برای جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی که راننده متواری شده یا اتومبیل بیمه نیست استفاده می‌شود و تقریباً شبیه صندوق تأمین خسارتهای بدنی ایران عمل می‌کند (کاتوزیان، غمامی، جنیدی، ۱۳۸۰: ۲۰۷-۲۰۸).

۴- صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ که برای جبران خسارتهای بدنی مقرر شده و بر اساس تصویب هیأت وزیران، سقف تعهدات آن متغیر خواهد بود. مواردی نظیر فرار راننده، بیمه نداشتن، تعلیق قرارداد بیمه یا تأمین بیمه‌گر، باعث دخالت این صندوق و پرداخت خسارت می‌شود. سازمان، وظایف تخصصی، نحوه و عملکرد دادگاهها نسبت به آن، قانونی بودن تعیین سقف تعهدات آن، حق دفاع و محکومیت مستقیم صندوق توسط دادگاهها، نحوه ارتباط با بیت‌المال در هنگام قتل و مسائلی از این قبیل را در بحث دیگری تشریح نموده‌ایم که در این قسمت ضرورتی به تکرار نیست (خدابخشی، ۱۳۸۳):

1. Criminal injuries compensatiom Bord.
2. The motor insures's Bureau.
3. Fond de garantie automobile.

۳۳-۴۰: ۱۳۸۴: ۴۴-۶۳). طرح‌های تکمیلی مذکور با جبران خسارت بزه‌دیدگان، آنها را از رجوع به دادگاه و طرح دعاوی جزایی بی‌نیاز می‌کند و از این منظر در جرم‌زدایی عملی نقش مهمی ایفا می‌نماید.<sup>۱</sup>

## ۱-۲. نقش بیمه در جرم‌زدایی رسمی یا قانونی

در جرم‌زدایی رسمی، صلاحیت نظام کیفری به نفع دیگر نظامها (مدنی و اداری) کنار گذاشته و عنوان جرم از برخی رفتارها برداشته می‌شود (گزارش جرم‌زدایی اروپا، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۳). بدیهی است علل و عوامل مختلفی باعث جرم‌انگاری رفتار می‌شود. یکی از مهمترین اصول حاکم بر جرم‌انگاری، اصل صدمه یا لزوم خسارت به شخص است. این اصل، حقوق کیفری را از اخلاق جدا می‌کند و تا زمانی که صدمه ناروایی به شخص وارد نشود که قابلیت سرزنش را نداشته و لزوم دخالت حقوق کیفری را ایجاب نکند، مسئله حل و فصل آن با نظام حقوق مدنی یا اداری خواهد بود (تبیث، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۹۵؛ کلی، ۱۳۸۲: ۴۹۴-۵۰۲). صدمات بدنی که در جریان فعالیت‌های متعدد ناشی از صنایع پیچیده به وجود می‌آید (روابط کار، عیب تولید، مجاورت املاک، نظایر آن) در مواردی، دخالت حقوق کیفری را اقتضا می‌کند تا سهم جبران خسارت و صدمه پررنگ‌تر جلوه کند. در حالی که اگر مکانیسم ساده‌تری مانند بیمه با پشتوانه مالی مناسب دخالت نماید، لزومی به دخالت حقوق کیفری نخواهد بود. بی‌گمان صدمات بدنی ناشی از حوادث رانندگی در کشور فرانسه چنین وضعی دارند و تنها در صورت تحقق عمد یا تقصیر نابخشودنی است که دعوی جزایی اقامه می‌شود و در غیر این موارد پرداخت خسارت به وسیله بیمه‌گر، مانع از طرح هرگونه دعوایی می‌شود؛ زیرا چنین اعمالی جرم تلقی نشده‌اند. روابط ناشی از کار نیز همین وضعیت را دارند و در بیشتر نظامهای حقوقی، صدمات به بار آمده در جریان کار، فاقد وصف مجرمانه تلقی شده‌اند؛ زیرا پوشش بیمه‌ای بهتر از هر نوع دعوای جزایی می‌تواند عمل نماید.

اندکی دقت در حقوق ایران نیز نشان می‌دهد در واقع امر و به‌ویژه در روابط

۱. نقش بیمه در جرم‌زدایی عملی از جهات دیگری نیز قابل بررسی است (میرعی، ۱۳۸۳: ۱۹-۴۳).

ناشی از کار که صدمات بدنی (دیه) حادث می‌شود، تنها در برخی موارد به دلیل بی‌احتیاطی کارفرما جریمه‌ای مختصر در نظر گرفته شده است تا نظارت بیشتری به عمل آید و اگر مساعی بیمه‌گران و تأمین اجتماعی در این موارد بیشتر شود و خود از طریق کارشناسی به پرداخت دیه اقدام نمایند، هیچ ضرورتی برای مراجعه به مرجع قضایی و دادگاه وجود نخواهد داشت.

## ۲. تأثیر بیمه در تسریع حل و فصل دعاوی جزایی (رویکرد واکنشی سخت)

بیمه می‌تواند مسائل و دعاوی جزایی مطرح‌شده در مراجع قضایی را به صورت عادلانه‌تر و سریع‌تر حل و فصل نماید. این نقش را با عناوین زیر بررسی می‌نمایم.

### ۱-۲. پرداخت تمام یا بخش عمده خسارت

دعاوی جزایی که به دلیل حدوث صدمات بدنی مطرح می‌شوند به طور معمول به دلیل قصور پزشکان، روابط ناشی از کار یا حوادث رانندگی است. پرداخت این منافع و جبران هزینه‌ها بسیار دشوار و در مواردی غیر ممکن است؛ زیرا معادل چندین برابر کل دارایی مثبت شخص مرتکب است. در این موارد بیمه بهترین نقش را ایفا می‌کند و تنها با اخذ مبالغ ناچیزی به عنوان حق بیمه، کل صدمات را جبران می‌کند.<sup>۱</sup> به جای آنکه فشار ناشی از سنگینی صدمات بر عهده یک شخص قرار گیرد، توزیع شده و بر عهده شرکت بیمه قرار می‌گیرد (André Tunc, op. cit: 51). این امر باعث تسریع در حل و فصل دعاوی جزایی شده و آرای قضایی نیز به سرعت به مرحله اجرا در می‌آیند. امروزه به جرأت می‌توان گفت که حقوق کیفری و مسئولیت مدنی، بدون بیمه نمی‌توانند از عهده وظایف خود در رابطه با جبران خسارت برآیند و در صورت فقدان

۱. یکی از نویسندگان با بررسی ماهیت دیه که جنبه جزایی هم دارد می‌گوید: «با توجه به آرای وحدت رویه شماره ۴/۱۰/۶۳ و ۵۴/۱۱/۶۳... دیه از نقطه نظر قضایی، کیفری (مجازات) مستقل قلمداد گردیده... بنابراین... به نظر می‌رسد که شرکتهای بیمه بتوانند این گونه محکومیتها و جرایم را تحت پوشش بیمه‌ای قرار دهند» (معزی: ۸). خواننده یک لحظه تصور کند که در مورد روابط ناشی از کار و حوادث رانندگی، دیه تحت پوشش بیمه نباشد. چه فاجعه‌ای به بار خواهد آمد!؟

بیمه، راهکارهای حقوق کیفری بسیار ناعادلانه و غیر منصفانه جلوه می‌نماید.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. ملاحظات بیمه‌ای در هنگام صدور حکم روان‌شناسی - قضایی

دادگاهها و دادرسان بر اساس شرایط دادرسی، وضعیت طرفین، ملاحظات انصاف و دیگر عوامل، به نتیجه دادرسی نایل می‌آیند و سپس برای توجیه آن، استدلال می‌کنند. یعنی حرکت از «نتیجه به استدلال» و توجیه قضاوت (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۴؛ خدابخشی، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۹). بی‌گمان یکی از این عوامل که دادرس را متوجه تصمیم مناسب خود و تسریع در اعلام نظر می‌کند وجود بیمه است. بیمه باعث می‌شود که بسیاری از مسئولیتها چهره نوعی و اجتماعی به خود بگیرند و تحلیلهای ظریف حقوقی به‌ویژه حقوق کیفری لازم نیاید. «از حیث اجتماعی، احساس عمومی بر این تعلق گرفته است که هر کس از عمل دیگری زیان می‌بیند، استحقاق جبران خسارت را دارد. این تفکر، روان‌شناسی قضایی و قانون‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تحولات و توسعه بیمه، پاسخ این احساس خواهد بود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۰ و ۴۱؛ Der Glickzare Izvolzsky, 1968: 507-508).

بیمه نه تنها باعث می‌شود طرفین دعوای جزایی، سعی در طولانی کردن جریان دادرسی نداشته و معمولاً اقرار به مسئولیت<sup>۲</sup> داشته باشند، بلکه دادگاهها نیز وقتی از پوشش بیمه‌ای اطمینان حاصل نمایند، بلافاصله تصمیم نهایی و حکم محکومیت شخص مسئول را صادر می‌نمایند تا از محل بیمه‌نامه وی جبران خسارت به عمل آید.<sup>۳</sup>

۱. حتی در ماجرای قتل چند دانش‌آموز در دبیرستان کلمباین آمریکا که شدت وخامت اجتماعی آن بسیار بود، بیمه‌گران به جبران خسارت پرداختند و حال آنکه خسارت، ناشی از عمل مجرمانه قتل بود و اصولاً بیمه‌ها مسئولیتی نداشتند ولی به تعبیر «گریفین Griffin» سخنگوی انجمن بیمه‌گران مستقل، پرداخت خسارت به دلیل بی‌احتیاطی والدین در تحویل دادن اسلحه به فرزندان آنها بود!! (باغ‌جدی، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۶) در ایران سالانه ۲۵ الی ۳۰ هزار کشته ناشی از حوادث رانندگی اتفاق می‌افتد و نزدیک به دویست تا سیصد هزار تصادف منتهی به صدمه بدنی. آیا این حجم از خسارت را جز از طریق بیمه می‌توان جبران کرد. آیا زندانیان ناشی از این حوادث جز به دلیل نداشتن یا محدود بودن سقف بیمه‌نامه آنهاست؟

2. Reconnaître de responsabilité.

۳. لرد دنینگ (Lord Denning) یکی از قضات انگلستان در دعوی Nettleship v. Weston (1971) می‌گوید: «از نظر اخلاقی، راننده‌ای که آموزش می‌بیند، تقصیری ندارد. اما از نظر قانونی او مسئول است زیرا بیمه است و خطر باید بر عهده او تحمیل گردد».

این رویکرد به نحوی مشهود است که بیمه‌گران را معترض نموده و ادعا می‌کنند باید در جریان دادرسی حضور داشته باشند تا مانع از اقرار بدون جهت یا تبانی طرفین شوند (Nicolas, 1974: 241; Mazeaud, 1950: 864).

## ۳-۲. نقش دعوای مستقیم در حل و فصل دعوای جزایی

دعوای مطالبه حق اعم از عینی یا دینی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول که دعوای مرسوم بوده و رابطه میان بدهکار و طلبکار را نشان می‌دهند. دسته دوم آنهایی هستند که دخالت شخص ثالثی را لازم دارند. به عبارت دیگر شخص ثالث که خارج از رابطه حقوقی طرفین باشد جزء ذاتی این دعوای محسوب است. این دسته خود به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱. دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین که در حقوق فرانسه به دعوی پل<sup>۱</sup> مشهور و در ماده ۲۱۸ و ۲۱۸ مکرر قانون مدنی ایران نیز مذکور است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۱۶-۲۵۳؛ شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۶۹-۳۸۱).

۲. دعوی غیر مستقیم<sup>۲</sup> که طلبکار شخص الف، علیه شخص ب که خود، مدیون به الف است، مطرح می‌نماید و آنچه از نتیجه دعوی به دست می‌آید متعلق حق ویژه و منحصر خواهان نیست، بلکه به دارایی الف می‌پیوندد و خواهان و سایر طلبکاران از آن بهره‌مند می‌شوند.

۳. دعوای مستقیم<sup>۳</sup> که طلبکار الف، علیه شخصی که تعهداتی نسبت به الف دارد مطرح و نتیجه دعوی را مستقیماً و منحصراً عاید خود می‌کند (خدابخشی، ۱۳۸۴: ۴۹-۸۱ و ۱۸۳-۲۱۸).

یکی از مهمترین دعوای مستقیم را می‌توان در روابط بیمه‌ای و با مراجعه زیان‌دیده به بیمه‌گری که مسئولیت عامل زیان را پوشش می‌دهد مشاهده نمود. زیان‌دیده با استناد به قرارداد بیمه و به دلیل تعهدات بیمه‌گر مقابل عامل زیان، خسارت وارد به خود یا دیه صدمات بدنی را از بیمه‌گر مطالبه می‌کند و این امر

1. L'action paulieme.

2. L'action oblique.

3. L'action directe.

نقش مؤثری در حل و فصل دعاوی جزایی و تسریع در پرداخت دیه صدمات بدنی دارد که از آن جمله می‌توان آثار زیر را نام برد:

۱- می‌دانیم که پرداخت دیه در صدمات عمد، شبه عمد یا خطای محض، به ترتیب ۱، ۲، ۳ سال مهلت دارد و محکوم‌علیه با این استناد می‌تواند حقوق زیان‌دیده را با تأخیر پرداخت کند، ولی رجوع مستقیم به بیمه‌گر و اجرای تعهدات شرکت بیمه مقابل زیان‌دیده، باعث پرداخت فوری دیه صدمات و پایان یافتن نزاع می‌گردد.

۲- با فرض گذشت مهلت مقرر جهت پرداخت دیه، ممکن است محکوم‌علیه به دلیل عدم پرداخت آن به تقاضای زیان‌دیده بازداشت شود، ولی حکمت دعوی مستقیم و مراجعه به بیمه‌گر این امکان را نیز منتفی می‌کند و قبل از اعمال هر نوع بازداشتی، حقوق محکوم‌له استیفا می‌گردد.

۳- در صورت فوت مقصر حادثه رانندگی یا عامل زیان که تحت پوشش بیمه است وضعیت زیان‌دیده بسیار دشوار می‌شود؛ زیرا حکم قطعی مبنی بر پرداخت دیه کمکی به او نمی‌کند و باید وراثت محکوم‌علیه با اثبات پذیرش ترکه و سایر مسائل مخاطب اجرا قرار گیرند حال آنکه وجود بیمه‌گر که بنا به فرض دارای پشتوانه عظیم مالی و سازمانی است و به صورت شخصیت حقوقی و بدون احتمال انحلال به کار خود ادامه می‌دهد، این دشواری را نیز مرتفع می‌کند و دعوی جزایی و حکم قطعی شده به آسانی اجرا می‌شود. به‌ویژه اینکه به دلیل تعلق حق انحصاری و ویژه نسبت به محکوم‌له، دیگر طلبکاران ادعایی نسبت به وجه پرداختی بیمه ندارند و این وجه تنها متعلق به زیان‌دیده است.<sup>۲</sup>

1. droit propre

۲. نظر اکثریت قضات دادگستری استان تهران در خصوص این مسئله چنین است: «با توجه به ماده ۱ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی... ۱۳۴۷، دارندگان اتومبیل که ممکن است برای حادثه خسارات بدنی و مالی به شخص یا اشخاص ثالث وارد سازند و مسئولیت خود را در این خصوص تا سقف مشخصی نزد شرکت بیمه‌گر بیمه نموده‌اند به محض تصادف و تقصیر راننده (وسیله نقلیه بیمه‌شده) و ایجاد مسئولیت برای وی، ذمه شرکت بیمه‌گر نیز در قبال زیان‌دیده مشغول می‌شود که مؤید این نظر رابطه حقوقی ناشی از الزام قانونی (مواد ۶ و ۷ قانون فوق‌الذکر) و قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی و تعهد به نفع شخص ثالث است. لذا زیان‌دیده مختار است به وراثت متوفی یا شرکت بیمه‌گر مراجعه نماید» (معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۲: ۶۴).

### ۳. نقش بیمه در پیشگیری از استمرار اختلاف

#### (رویکرد واکنشی نرم)

حقوق کیفری همیشه انعکاس دقیق واقعیت اجتماعی نیست و چه بسا اعمالی که بدون قواعد آن، بهتر بتوان آنها را هدایت کرد و با استفاده از مکانیسم مدنی یا اداری از ریشه‌دار شدن نزاع، جلوگیری کرد. به همین دلیل، کنترل‌پذیری نظام کیفری نسبت به مدنی سخت‌تر و حصول آن دشوارتر است (گزارش جرم‌زدایی اروپا، ۱۳۸۴: ۴۴-۵۴).

امروزه حمایت از بزه‌دیده، میانجی‌گری کیفری، عدالت ترمیمی و دیگر نهادهای مشابه در حقوق کیفری بازتاب گسترده‌ای دارد (صفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۹-۳۲۴). هدف این حرکتها، گسترش حمایت از شخص و تأکید بر جبران خسارت است؛ زیرا اعمال کیفر به خودی خود سودی برای شخص ندارد و خاطر او را آسوده نمی‌کند. دهها سال حبس برای مجرم، از نظر زیان‌دیده به نیم طبق نانی که شکم او را سیر کند نمی‌ارزد. وجود بیمه به طرق مختلف می‌تواند این هدف را برآورده و اختلاف قابل حل طرفین را کاهش دهد یا منتفی سازد.

#### ۳-۱. رابطه عاطفی و دعاوی خویشاوندان

بسیاری از صدمات، خسارتها و زیانها در رابطه اشخاصی تحقق می‌یابد که وابستگی عاطفی و خویشاوندی دارند. از یک سو نمی‌توان همانند اشخاص بیگانه، در صدد مطالبه حق برآمد و مطالبه رسمی آن بعضاً با قواعد اخلاقی و رعایت احترام متقابل سازگاری ندارد. از سوی دیگر این خسارت می‌تواند مایه اختلافی بین بستگان باشد یا رابطه عاطفی و دوستی اشخاص را بر هم زند و در درازمدت شعله آن روشن و در آن زمان، مطالبات گذشته، یکی‌یکی رو شوند. فرض کنید تصادف رانندگی، حادثه ناشی از کار، معالجه پزشکی، خسارت محموله و مال‌التجاره و دیگر روابط حقوقی، تحقق یابد. آیا صدمات بدنی و مالی باید کنار نهاده شده و عاطفه و احساس جایگزین شود و وضعیت بغرنج خانواده مصدوم، قربانی این رابطه مبتنی بر احساس گردد یا شعله نزاع گسترش یابد و دعاوی جزایی مطرح و تقابل اشخاص



در دادرسی، هر نوع احساس قبلی را نیز از میان بردارد. خانوادهٔ مصدومی که دچار فلج پا یا نقص عمده شده است چگونه می‌تواند به طرح دعوی جزایی علیه برادر یا خواهر یا دیگر بستگانی که مقصر حادثه هستند اقدام نماید و چگونه می‌تواند شاهد بدبختی خود باشد.

وجود بیمه‌های مسئولیت، می‌تواند این دوگانگی را جمع و بین آنها آشتی برقرار کند؛ زیرا طرح دعوی جزایی علیه شخصی که بیمه دارد به معنی معارضه و درگیری با مخاطب نیست، بلکه الزام رسمی برای مطالبهٔ حق از محل بیمه‌نامه است و طبعاً مورد پذیرش و اصرار مقصر حادثه نیز می‌باشد.

به تعبیر یکی از نویسندگان «مسئول شناختن کسی که به قصد احسان و به رایگان دیگری را با اتومبیل خود به مقصد رسانده، از نظر اخلاقی گران و از دیدگاه حقوقی دشوار است (هل جزاء الإحسان إلا الإحسان)، ولی همین که پای بیمه به میان آید، مسئله بدین ترتیب طرح می‌شود که آیا این سرنشین اتومبیل نیز مانند سایر مسافران، شایستهٔ حمایت اجتماعی به وسیلهٔ بیمه هست یا نه؟ و طبیعی است که پاسخ آن با فرضی که صاحب اتومبیل، مسئول قرار می‌گیرد، تفاوت می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۲).

مازوها، نویسندگان فرانسوی نیز معتقدند: «همین که عامل زیان بیمه باشد، تمام تردیدها و وسواسها محو می‌گردد؛ زیرا این بیمه‌گر است که نهایتاً تمام نتایج زیان را متحمل خواهد شد. اغلب موارد، بیمه‌گذار، خود از زیان‌دیده می‌خواهد که علیه او طرح دعوی نماید، دعوی که علیه والدین و دوستان در زمینهٔ حوادث اتومبیل طرح می‌شود و حال آنکه سوار نمودن صدمه‌دیده، از روی لطف و مهربانی بوده است، جز بیمه نمی‌تواند منشأ دیگری داشته باشد. وجود بیمه، همیشه تردید را در درخواست خسارت منتفی می‌کند و محاکم نیز متمایل هستند که نسبت به دعوی، به صورت گسترده، حکم به جبران خسارت دهند» (Mazeaud, op. cit: 13). این اثر با توجه به حجم دعوی جزایی تصادفات و حوادث ناشی از کار بسیار قابل توجه است و از ریشه‌دار شدن اختلاف طرفین جلوگیری می‌کند و نهایتاً سهولت حل و فصل این دعوی را به همراه دارد.

### ۲-۳. جبران بخش فوری خسارت

زیان‌دیده نیز مانند هر شخص دیگری انسان است و تابع خصایص انسانی. قهر و غلبه و مهر و عطوفت را همراه خود دارد و وقتی مساعدت و کمک فوری عامل زیان را ببیند، نرمش بیشتری نشان می‌دهد. وجود بیمه این اثر را بیشتر می‌کند و در ترمیم اختلاف به وجود آمده ناشی از خسارت سهم بسزایی دارد. عامل زیان، با توجه به پوشش بیمه‌ای خود سعی در فرار از مسئولیت نداشته و خسارت و هزینه‌های فوری زیان‌دیده را جبران می‌کند. در تصادفات رانندگی، حوادث کار، پزشکی و نظایر آن، مقصر، بخشی از هزینه‌های درمان اولیه را پرداخت می‌کند و چه بسا همین رفتار، سبب حصول رضایت قطعی و پایان یافتن دعوی جزایی احتمالی شود.

قانون‌گذار نیز با علم به اینکه وجود بیمه چه نقشی در این میان به عهده دارد پرداخت هزینه‌های فوری حادثه را الزامی نموده است تا زیان‌دیده و خانوادهٔ او در عسرت قرار ننگرفته و به فکر تشدید اختلاف نباشند. می‌دانیم که امتناع بدهکار در پرداخت حقوق زیان‌دیده چگونه می‌تواند سبب دعاوی متعدد جزایی شده و رابطه‌ای تیره بین آنها به وجود آورد، اما وقتی پوشش بیمه مطرح شود دلیلی بر امتناع یا مخفی‌کاری یا فرار از محل وجود ندارد. قانون‌گذار به‌ویژه در حوادث رانندگی، الزام قانونی مقرر نموده تا درصدی از حق بیمه‌ها و هزینه‌های درمان مصدوم پرداخت شود و امکان بالقوه و بالفعل هر نوع دعوی جزایی واقعی که مبتنی بر انتقام، خصومت و اختلاف ریشه‌دار است منتفی شود. در مادهٔ ۹۲ قانون برنامهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳ آمده است: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است نسبت به درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی در مراکز خدمات بهداشتی و درمانی اقدام کند. به منظور تأمین منابع لازم برای ارائهٔ خدمات فوق، ۱۰ درصد حق بیمهٔ شخص ثالث، سرنشین و مازاد توسط شرکتهای بیمهٔ تجاری وصول و به حساب درآمدهای اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نزد خزانه‌داری کل واریز می‌گردد و هزینه‌های درمان کلیهٔ مصدومان ترافیکی، جاده‌ای و رانندگی از محل وجوه واریز شده به این حساب و

سایر منابع موجود پرداخت خواهد شد. توزیع این منابع بر اساس عملکرد هر یک از سازمانهای بیمه گر پایه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هر شش ماه یک بار صورت خواهد گرفت». این قاعده با حمایت بیمه وضع شده و می تواند در موارد مشابه نیز اقتباس گردد.

### ۳-۳. حفظ موقعیت بیمه گران و لزوم کاهش اختلاف

کاهش اختلاف و حل و فصل سریع دعوی، نه تنها خواست طرفین است بلکه مؤسسات بیمه نیز در آن ذی نفع می باشند. اعتماد مشتری به نظام بیمه ای وقتی بیشتر می شود که در هنگام نیاز او، خسارت بلافاصله پرداخت شود و مانع تراشی به عمل نیاید. شهرت بیمه گران در حل و فصل سریع اختلافات باعث می شود تا سیر دعاوی از مراجع قضایی به طرف بیمه گران هدایت شود و با پرداخت فوری خسارت، زمینه حذف دعوی فراهم آید. در ایالات متحده آمریکا بیمه گران مکلف به اعمال شیوه های منصفانه در برخورد با زیان دیده و بیمه گذار هستند و در صورت خودداری از پرداخت خسارت و عدم رعایت انصاف، امکان طرح دعوی علیه آنها وجود دارد. این دعاوی که به دعاوی first-party معروف است در سال ۱۹۷۹ و به موجب رأی دادگاه عالی کالیفرنیا تجویز شد<sup>۱</sup> پیشنهادات جبران خسارت بیمه گران خطاب به زیان دیده نیز که در ابتدای این نوشتار بیان شد، می تواند در حل و فصل دعوی و پایان دادن به اختلاف مؤثر باشد و انگیزه اصلی شخص را در اقامه دعاوی جزایی منتفی کند (Peter and Jane, 1998: 370).

### نتیجه گیری

مطالعه تطبیقی در نظامهای حقوقی نشان می دهد که حضور بیمه با توجه به نکات زیر منشأ اثرگذاری در فرایند قضایی بوده است. این موارد را در قالب پیشنهادات عملی مطرح می نمایم.

۱- حضور فعال بیمه گران در حل و فصل دعاوی از طریق پرداخت فوری خسارات

1. Royal Globe Ins. Co. v. Superior Court (1979).

بدون حکم مراجع قضایی و بدون اینکه منتظر فرایند قضایی باشند. ملاحظه نظریات کارشناس تصادفات و گواهی پزشکی قانونی، می تواند مقصر حادثه و صدمات را نشان دهد و بر همان اساس اقدام به پرداخت دیه و خسارت گردد.

۲- در مواردی که صدمات بدنی نیازمند معاینات متعدد و مجدد است، قدر متیقن خسارات و دیه پرداخت شود و پرونده ای برای زیان دیده تشکیل شود تا سایر گواهیهای پزشکی قانونی اخذ و خسارت نهایی پرداخت گردد.

۳- صندوق جبران خسارتهای بدنی موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری توسعه یابد و مراکز از آن در استانها تشکیل یا نمایندگیهای آن تأسیس و رجوع مستقیم زیان دیده با مدارک لازم (نظر کارشناسی، گواهی پزشک) و بدون حکم دادگاه به آن فراهم شود، همچنان که در آیین نامه آن آمده، ولی متأسفانه در عمل، مراجع قضایی به صدور حکم در این مورد مبادرت می کنند و رویه مذکور مورد اقتباس صندوق جبران خسارتهای بدنی قرار گرفته و در مواردی به اصل مدارک توجهی نمی کند.

۴- تنظیم شهادت نامه رسمی در حضور سردفتر اسناد رسمی برای اثبات اصل تصادف یا متواری بودن راننده و رجوع به صندوق تا این دعاوی عملاً در محاکم مطرح نشده و تنها بر موجودی شعب افزوده نشوند.

۵- ملاحظه می شود که در صورت عمد راننده یا گواهی نامه نداشتن وی، شرکت های بیمه پس از اخذ تأمین مناسب مانند چک، سفته یا نظایر آن از مقصر حادثه، حاضر به پرداخت خسارت به زیان دیده هستند و حال آنکه اولاً تهیه این تضمینها در مواردی دشوار و غیرممکن است، ثانیاً در ماده ۵ قانون هیچ نصی بر آن وجود ندارد، بلکه حکم به پرداخت خسارت، مطلق و بدون اشاره به لزوم اخذ تأمین از مقصر حادثه است.

۶- در مواردی که اتومبیل متواری می شود، چون سقف تعهدات صندوق محدود است (در سال ۱۳۸۴ تنها ۴ میلیون تومان حداکثر پرداخت خسارت از سوی صندوق بود) با اثبات اصل تصادف و تشکیل پرونده در صندوق جبران خسارتهای بدنی، استعمال از شرکت های بیمه به عمل آید و اگر اتومبیل تحت پوشش بیمه است، کل خسارات از آن محل پرداخت شود نه اینکه صندوق تنها بخشی ناچیز از کل

۷- سقف تعهدات صندوق بیشتر شود و هزینه‌های دارای اولویت مانند هزینه درمان فوری را بلافاصله پرداخت کند و منتظر مدارک نهایی نباشد.

۸- در حوادث ناشی از کار، به جای تشکیل پرونده در مراجع قضایی، بازرس کار و نماینده تعاون اجتماعی یا اداره کار و امور اجتماعی، اعلام نظر نماید و زیان دیده با معرفی به پزشک قانونی و اخذ گواهی، بدون رأی مرجع قضایی جبران خسارت گردد. هیچ توجیهی برای اطالۀ رسیدگی و صدور حکم نهایی در این موارد نیست و ضرورت حمایت از اشخاص کارگر اقتضا دارد که پرداخت خسارت فوری باشد.

۹- دخالت فوری بیمه گران و تأمین اجتماعی در حوادث ناشی از وسایل نقلیه و کار به سود خود آنها نیز می‌باشد؛ زیرا می‌توانند با پرداخت فوری بخشی از خسارت، در بسیاری موارد رضایت زیان دیده را تحصیل نمایند و نیازی به اعلام نظر قطعی پزشکی قانونی نباشد. بسیاری از زیان دیدگان آمادگی دارند بخشی از خسارت فردی را دریافت نمایند و منتظر چندین ماه یا سال برای دریافت کل خسارت نباشند.

۱۰- به ماده ۸ قانون نحوه رسیدگی تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ و تبصره آن توجه لازم در مراجع قضایی نشده است؛ زیرا در مواردی که راننده هیچ تقصیری هم نداشته باشد قانون مقرر می‌دارد که خسارت و دیه از محل بیمه‌نامه پرداخت شود. همین وضعیت نسبت به ماده ۴ قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹/۴/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی اعمال می‌شود و عدم مسئولیت راننده را مانع استفاده از بیمه‌نامه برای جبران خسارت نمی‌داند.

۱۱- تهیه لایحه جامع در زمینه امور بیمه گری حوادث (رانندگی، کار و پزشکی) لازم است تا مراجعات مستقیم به بیمه بیشتر شده و ضرورتی به رجوع به دستگاه قضایی نباشد. بسیاری از این دعاوی، با اندکی قبول مسئولیت از سوی بیمه گران حل و فصل خواهند شد و ضرورتی به اطالۀ جریان دادرسی و دخالت مراجع قضایی نخواهد بود.

۱. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
۲. اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل، مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، *عدالت برای بزه‌دیدگان*، ترجمه علی شایان، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴ ش.
۳. اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیئت عمومی دیوان عالی کشور، *مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۷۹*، ۱۳۸۲ ش.
۴. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولوک، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، جریان دادرسی کیفری، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷ ش.
۵. بابایی، ایرج، *حقوق بیمه*، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۶. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴ ش.
۷. باغ‌جدی، محمود، «بیمه و خسارتهای ناشی از اعمال محرمانه»، *تازه‌های جهان بیمه*، ش ۸۲، ۱۳۸۴ ش.
۸. پرو، روژه، *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴ ش.
۹. تیبیت، مارک، *فلسفه حقوق*، ترجمه حسن رضایی خاوری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. خدابخشی، عبدالله، «اجرای حقوق و اقامه دعاوی بدهکار به وسیله طلبکاران او»، *فصلنامه دیدگاههای حقوقی*.
۱۱. همو، «بررسی ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری»، *ماهنامه قضاوت*، دادگستری استان تهران، شماره ۲۹، بهمن و اسفند ۱۳۸۳ ش.
۱۲. همو، «تازه‌های جهان بیمه»، *ماهنامه خبری - آموزش بیمه مرکزی ایران*، شماره ۸۲، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. همو، «دعوی مستقیم و رجوع زیان دیده به بیمه گر»، *مجله پژوهشهای حقوقی*، شماره ۸، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. همو، استدلالهای پنهان «آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور»، *ماهنامه پیام آموزش*، شماره ۱۰، مهر و آبان ۱۳۸۳ ش.
۱۵. همو، *تأثیر بیمه در حقوق مسئولیت مدنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. همو، *تضمین حقوق بیمه‌گر از طریق دخالت در دعوی مسئولیت مدنی*، پژوهش ارائه شده در بیمه مرکزی ایران، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. همو، *ماهنامه قضاوت*، دادگستری استان تهران، شماره ۲۹.
۱۸. رایجیان اصلی، مهرداد، «رهیافتی نو به بنیادهای نظری پیش‌گیری از جرم»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ ش.
۱۹. شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، نشر حقوقدانان، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. صفاری، علی، «حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۰، پاییز - زمستان ۱۳۸۳ ش.
۲۱. عباچی، مریم، «پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۲۲. قربان‌پور، امیرمهدی، «تنازع حقیقت و اعتبار در برخی از حوزه‌های علم حقوق»، *فصلنامه دیدگاههای حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری*، شماره ۳۴-۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴ ش.

۲۳. کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری*، جلد اول، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. همو، *فلسفه حقوق*، جلد سوم، منطق حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. همو، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد دوم، چاپ چهارم، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، مجید غمامی و لعلیا جنیدی، *مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. کلی، جان، *تاریخ مختصر تنوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲ ش.
۲۸. گروهی از نویسندگان شورای اروپا، *گزارش جرم‌زدایی اروپا*، ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. مبرقی، سیدمحمدناصر، «گذر از منطق کیفری به منطق بیمه‌ای در سیاست جنایی ره‌آورد نوین عدالت ترمیمی»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۳۰. مشایخی، همایون، *مبانی و اصول حقوق بیمه*، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۹ ش.
۳۱. معاونت آموزش دادگستری استان تهران، *مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران و مروری بر گزیده قوانین و مقررات سال ۱۳۸۱*، نشر اشرافیه، ۱۳۸۲ ش.
۳۲. معزی، فرهاد، «بررسی اجمالی ماهیت حقوقی بیمه دیه»، *فصلنامه بیمه مرکزی ایران*، سال پنجم، شماره اول.
34. Der Glickzare, Heinrich, Izvolsky, *Chambers Encyclopedia*, New revised edition, vol. 8, International learning systems corporation limited, London, 1968.
35. [http://www.lao.ca.gov/initiatives/200/30/03\\_2000.html](http://www.lao.ca.gov/initiatives/200/30/03_2000.html).
36. Mark, Lunney and Oliphant Ken, *Tort law, text and materials*, Oxford University Press, London, 2000.
37. Mazeaud, Henri, *Traité theorique et pratique de la responsabilité civile, delictuelle et contractuelle*, Tom. III, libraire de recueil sirey, 4eme edition, 1950.
38. Mcleod, Ian, *Legal theory*, Palgrave Macmillan, 2<sup>nd</sup> edition, 2003.
39. Nicolas, Jacob, *Assurance et Responsabilité civile*, Tom. II, *Les Assurance*, J.G.D, paris, 1974.
40. Peter, Cane and Stapleton Jane, *The law of obligation*, Oxford Clarendon Press, 1<sup>st</sup> published, New York, 1998.
41. Rogers, W.V.H., *Winfield and jolowicz on tort*, 10<sup>th</sup> edition, 1976.
42. Tunc, André, *International Encyclopedia of comparative law*, vol. XI, Torts, Interoduction.
43. Tunc, André, *Towards a European civil code*, Kluwer law international, second revised and axpanded, London, 1998.
44. Williams, K.S., *Textbook on criminology*, 4<sup>th</sup> edition, Blackstone Press limited, London, 2001.

